

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

جسم پنداری خدا

برگی دیگر از انحراف مکتب خلفا

۱۳ مهر ۱۳۹۰

۷ ذی القعدة ۱۴۴۲

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله تبارك وتعالى :

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴾^(۱) .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و همراه با صادقان باشید .

چکیده‌ی سخن

در مباحث گذشته ، بیان شد که خداوند متعال در آیه‌ی فوق ، مؤمنان را به دو مطلب مکلف می‌فرماید : ۱ . تقوای الهی ۲ . همراهی با صادقان . همچنین ، با استناد به آیاتی از قرآن کریم ، ویژگی‌های صادقان را بیان نمودیم^(۲) . اولین ویژگی انسان صادق ، ایمان به خداوند متعال است و برای رسیدن به ایمان ، شناخت پروردگار لازم است .

همان طور که گذشت ، اهل بیت علیهم‌السلام تعریفی بسیار روشن و لایق ، از مقام قدسی پروردگار دارند . اما اهل سنت که شناخت خدا را از احادیث جعلی ، به دست می‌آورند آن گونه که باید ، پروردگار متعال را نشناخته‌اند و در مواقعی سخنان نالایق با ساحت قدسی آن جناب ، بر زبان و قلم جاری می‌کنند . علما و بزرگان اهل سنت ،

۱ . سوره توبه ، آیه ۱۱۹ .

۲ . برای اطلاع بیشتر به جزوه ۱۴۳ از جزوات به سوی معرفت مراجعه نمایید .

پروردگار را موجودی پنداشته‌اند که دارای اعضا و جوارح انسانی است. برای روشن شدن این نظریه، لازم است به کتب مهم اهل سنت رجوع شود. مهم‌ترین و با ارزش‌ترین کتاب‌ها نزد اهل سنت، بعد از قرآن کریم، صحیح بخاری و مسلم می‌باشند. اهمیت و ارزش این کتب نزد اهل سنت به حدی است که صحیح بخاری را «أخ القرآن» (برادر قرآن) و صحیح مسلم را «أخت القرآن» (خواهر قرآن) نامیده‌اند.

توصیف پروردگار از دیدگاه اهل سنت

اکنون در صدد آن هستیم که روایات جعلی در توصیف پروردگار سبحان را، از این کتاب‌ها نقل کنیم تا بطلان نظریه‌ی اهل سنت به خوبی آشکار شود.

روایت اول:

« عن جریر قال : کُنَّا جُلُوساً عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ [فَنظَرَ إِلَى الْقَمَرِ لَيْلَةَ، لَيْلَةَ الْبَدْرِ فَقَالَ : إِنَّكُمْ سَتَرُونَ رَبِّكُمْ كَمَا تَرُونَ هَذَا الْقَمَرَ، لَا تَضَامُونَ فِي رُؤْيَيْتِهِ، فَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ لَا تَغْلِبُوا عَلَى صَلَاةٍ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا فَافْعَلُوا، ثُمَّ قَرَأَ : ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ﴾ (۱) « (۲) .

جریر می‌گوید: شبی (شب چهاردهم ماه)، در محضر رسول خدا ﷺ نشسته بودیم، حضرت نگاهی به قرص ماه انداختند، آنگاه فرمودند: همان طور که قرص این ماه را می‌بینید، خدا را نیز در آینده خواهید دید و در دیدار خداوند، هیچ سختی و فشاری بر شما وارد

۱. سوره ق، آیه ۳۹.

۲. صحیح بخاری، جلد ۱، صفحه ۱۳۹ و ۱۴۳؛ جلد ۶، صفحه ۴۸، جلد ۸، صفحه ۱۷۹؛ صحیح مسلم، جلد ۲، صفحه ۱۱۴.

۱۴۴ نخواهد گشت؛ هر چه می‌توانید درباره‌ی نماز صبح و نماز عصر کوشش کنید و موانع را برطرف سازید. سپس رسول خدا ﷺ این آیه را قرائت کردند: «و پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب، تسبیح و حمد پروردگارت را به جا آور.»

روایت دوم:

«عن جریر بن عبدالله قال: قال رسول الله ﷺ: إنكم سترون ربكم عياناً»^(۱).

جریر بن عبدالله^(۲) می‌گوید؛ رسول خدا ﷺ فرمودند: شما خدای خود را آشکارا و با چشم خواهید دید.

قسطلانی در شرح این روایت می‌گوید: «عیاناً» با کسر عین، از ماده‌ی «عاینت الشيء عیاناً» گرفته شده و چیزی را که با چشم دیده می‌شود عیاناً می‌گویند^(۳).

روایت سوم:

«عن صهیب عن النبي ﷺ قال: «إذا دخل أهل الجنة، الجنة قال، يقول الله تبارك وتعالى: تريدون شيئاً أزيدكم! فيقولون: ألم تبيضّ وجوهنا؟ ألم تدخلنا الجنة وتجنّبنا من النار؟ قال: فيكشف الحجاب، فما أعطوا شيئاً أحبّ إليهم من النظرِ إلى ربّهم عزّ وجلّ»^(۴).
صهیب^(۵) نقل می‌کند؛ رسول خدا ﷺ فرمودند: در روز قیامت،

۱. صحیح بخاری، جلد ۸، صفحه ۱۱۲.

۲. وی یکی از راویان حدیث و همان کسی است که نامه‌ای از سوی حضرت امیرالمؤمنین علی^(علیه السلام) برای معاویه آورد (مختصر تاریخ مدینه دمشق، جلد ۶، صفحه ۲۷).

۳. ارشاد الساری، جلد ۱۰، صفحه ۳۹۱.

۴. صحیح مسلم، جلد ۱، صفحه ۱۱۲.

۵. وی از یاران پیامبر ﷺ در جنگ بدر بوده و از رسول خدا ﷺ و حضرت امیرالمؤمنین علی^(علیه السلام) روایت نقل می‌کرد (تهذیب الکمال، جلد ۱۳، صفحه ۲۳۷).

وقتی که اهل بهشت وارد بهشت گردیدند، خداوند می فرماید: آیا می خواهید برای شما بیش از این احسان کنم؟ می گویند: خدایا! این احسان بزرگ تو درباره‌ی ما کافی نیست که ما را رو سفید گردانیدی؟ آیا ما را از آتش جهنم نجات ندادی و داخل بهشت نمودی؟ (آیا دیگر نعمتی بالاتر از این متصور است)؟ رسول خدا ﷺ فرمودند: پرده‌ها و موانع برداشته می شود و جمال خداوند نمایان می گردد و برای اهل بهشت نعمتی داده نمی شود که بالاتر و محبوب تر از تماشای جمال خداوند باشد.

روایت چهارم:

«عن أبي سعيد الخدري قال: قلنا: يا رسول الله ﷺ! هل نرى ربنا يوم القيامة؟ قال: هل تضارون في رؤية الشمس والقمر إذا كانتا صحوًا؟ قلنا: لا. قال: فإنكم لا تضارون في رؤية ربكم يومئذ إلا كما تضارون في رؤيتهما، ثم قال: ينادى منادٍ: ليذهب كل قوم إلى ما كانوا يعبدون؛ فيذهب أصحاب الصليب مع صليبيهم وأصحاب الأوثان مع أوثانهم وأصحاب كل آلهة مع آلهتهم، حتى يبقى من كان يعبد الله من برّ أو فاجرٍ وغيراتٍ من أهل الكتاب، ثم يؤتى بجهنم تعرض كأنها سرابٌ، فيقال لليهود: ما كنتم تعبدون؟! قالوا: «كنا نعبد عزير ابن الله، فيقال: كذبتُم، لم يكن لله صاحبة ولا ولد، فما تريدون؟ قالوا: نريد أن تسقينا، فيقال: اشربوا، فيتساقطون في جهنم، ثم يقال للنصارى: ما كنتم تعبدون؟ فيقولون: كنا نعبد المسيح بن الله، فيقال: كذبتُم، لم يكن له صاحبة ولا ولد، فما تريدون؟ فيقولون: نريد أن تسقينا، فيقال: اشربوا، فيتساقطون حتى يبقى من كان يعبد الله من برّ أو فاجرٍ، فيقال لهم: ما يحسبكم وقد ذهب الناس؟

فبقولون : فارقتاهم ونحن أحوج منّا إليه اليوم وإنّا سمعنا منادياً ١٤٤
 ينادي : ليلحق كلّ قوم بما كانوا يعبدون ، وإنّما ننتظر ربّنا ، قال :
 فيأتيهم الجبار في صورة غير صورته التي رأوه في أوّل مرّة ، فيقول :
 أنا ربّكم ، فيقولون : أنت ربّنا فلا يكلمه إلاّ الأنبياء ؟ فيقول : هل بينكم
 وبينه آية تعرفونه ، فيقولون : الساق ، فيكشف عن ساق ، فيسجد له
 كلّ مؤمن « (١) .

ابی سعید خدری (٢) می گوید: ما به پیامبر ﷺ گفتیم آیا در روز
 قیامت پروردگاران را می بینیم ؟ پیامبر ﷺ فرمودند: آیا در
 رویت خورشید و ماه زمانی که آسمان صاف باشد، شبهه‌ای دارید؟
 آنها گفتند: خیر. پیامبر ﷺ فرمودند: همانا شما در رویت خدایان
 در روز قیامت شبهه‌ای نداشته باشید، مگر این که در رویت خورشید و
 ماه شک داشته باشید. در روز قیامت وقتی همه خداوند را می بینند،
 شخصی صدا می زند: هر کسی با آنچه که می پرستیده، همراه شود.
 اصحاب صلیب (که سه خدا را می پرستیدند) با صلیب‌شان همراه
 می شوند. بت پرستان با بت‌هایشان همراه می شوند و هر کسی که برای
 خود خدایی در دنیا انتخاب کرده باشد، با همان همراه می شود، تا اینکه
 فقط عده‌ای که خداوند را می پرستیدند باقی می ماند؛ چه از خوبان و
 چه از بدان و عده‌ی محدودی از اهل کتاب نیز باقی می ماند. سپس
 خداوند جهنم را عرضه می کند مثل سرابی که از دور دیده می شود.
 خداوند به یهودیان فرمود: شما چه کسی را می پرستیدید؟ گفتند: ما

١. صحیح بخاری، جلد ٨، صفحه ١٨١.

٢. او یکی از اصحاب پیامبر ﷺ بود که سنت‌ها و دانش‌های فراوانی را از رسول
 خدا ﷺ آموخت (تهذیب الکمال، جلد ١٠، صفحه ٢٩٤).

عزیر پسر خدا را می پرستیدیم. به آنها گفته می شود: خداوند همسر یا فرزندی ندارد، شما دروغ می گوید، حال چه می خواهید؟ گفتند: تشنه شدیم، ما را سیراب کن. به آنها گفته می شود: بنوشید پس در جهنم انداخته می شوند. به نصاری گفته می شود: شما چه چیزی را می پرستید؟ گفتند: مسیح عَلَيْهِ السَّلَام پسر خدا را می پرستیدیم. پس به آنها گفته می شود: خداوند همسر یا فرزندی ندارد، شما دروغ می گوید، حال چه می خواهید؟ گفتند: تشنه ایم، ما را سیراب کن، به آنها گفته می شود: بنوشید. پس در جهنم انداخته می شوند تا این که فقط خداپرستان، اعم از خوبان و بدان، باقی می مانند. به آنها خطاب می شود: چرا شما ماندید در حالی که بقیه ی مردمان رفتند. می گویند: ما با آنها نبودیم زیرا مادر این روز، به خدای مان احتیاج داریم. همانا ما از منادی شنیدیم: هر قومی به آنچه که می پرستد، ملحق شود. اما ما منتظر پروردگاران هستیم. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: خداوند می آید اما با صورت دیگری، غیر از صورتی که مرتبه ی اول دیده شد (ولذا او را نمی شناسند) خداوند می فرماید: من پروردگار شما هستم. آنان می گویند: تو پروردگار ما هستی! در حالی که فقط پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام با خدا صحبت می کنند به سپس خداوند می فرماید: آیا شما از آن خدایی که اولین بار دیدید، نشانه ای دارید تا به وسیله ی آن خدا را بشناسید؟ آنها گفتند: به وسیله ی ساق پا. وقتی خداوند ساق پای خود را نشان می دهد، تمام مؤمنان به خدا سجده می کنند.

روایت پنجم:

ابو هریره می گوید: خداوند از بین مومنین؛ مجرمین و گنهکاران را به جهنم می برد و چون آنها اهل سجده بودند، خداوند آنان را از آتش جهنم نجات می دهد؛

« و یبقی رجل مقبل وجهه علی النار ، فبقول : یا ربّ ! قد قشبنی ریحها وأحرقنی زکاءها ، فاصرف وجهی عن النار ، فلا یزال یدعوا لله ، فبقول الله : لعلک أن أعطیتک أن تسألنی غیره ؟ فبقول : لا ، وعزّتک لأستلک غیره . فیصرف وجهه عن النار ، ثمّ یقول بعد ذلك : یا ربّ ! قرّینی إلی باب الجنّة ! فبقول : ألیس قد زعمت أن لا تسألنی غیره ؟ ویلک یا بن آدم ! ما أعدرک ؟ ... فلا یزال یدعو حتّی یضحک الله ، فإذا ضحک منه ، أذن له بالدخول فیها ، فإذا دخل فیها قیل : تمنّ من کذا ، فیتمنّی ، ثمّ یقال له : تمنّ من کذا ، فیتمنّی حتّی ینقطع به الأمانیّ ، فبقول الله : هذالك ومثله معه »^(۱) .

از اهل محشر مردی می ماند که صورت اش رو به آتش است . او می گوید : خدایا ! عفونت جهنم مرا مسموم کرد و شعله هایش مرا سوزانید ، صورت ام را از آتش برگردان و همچنان دعا می کند و تقاضای خود را تکرار می کند . خداوند می فرماید : اگر خواسته ی تو را اجابت کنم ، شاید چیز دیگری نیز تقاضا کنی ، عرضه می دارد : نه ، قسم به عزّتات غیر از این ، تقاضا و خواسته ای ندارم . خداوند صورت او را از آتش برمی گرداند . بعد از آن عرضه می دارد : خدایا ! مرا به در بهشت نزدیک برگردان ، خداوند در جواب وی می فرماید : آیا تو نبودی که می گفتمی به جز یک حاجت ، خواسته ی دیگری ندارم و چیز دیگری سؤال نخواهم نمود ؟ وای بر تو ای پسر آدم ! چقدر مکاری ؟ ... آن بنده ، در خواسته اش پافشاری می کند تا جایی که خداوند خنده اش می گیرد ! وقتی خداوند از کار او خندید اذن داخل شدن به بهشت را به

۱ . صحیح بخاری ، جلد ۱ ، صفحه ۱۹۶ ؛ جلد ۷ ، صفحه ۲۰۶ ؛ جلد ۸ ، صفحه ۱۸۰ ؛ صحیح مسلم ، جلد ۱ ، صفحه ۱۱۴ .

او می دهد. وقتی داخل بهشت شد، به وی گفته می شود: آنچه دلالت می خواهد از ما بخواه! پس آنچه که دل اش می خواهد تقاضا می کند. بار دیگر به وی گفته می شود: آنچه می خواهی از ما بخواه! و او هم آنچه می خواهد، سؤال می کند، وقتی خواسته هایش تمام گردید، خداوند می فرماید: دو برابر آنچه را که می خواهی به تو می دهم. روایات مذکور، نمونه ای از روایات بی شماری است که سند و محتوای آن، نزد اهل سنت، متقن و مستحکم است.

از مجموع روایات مذکور، نکات مهمی به دست می آید که عبارت اند از:
نکته ی اول: خداوند در روز قیامت -نعوذ بالله- با چشم ظاهری دیده می شود.
نکته ی دوم: هر موجودی که قابل رویت باشد، جسم است و یکی از ویژگی های جسم این است که نیازمند به مکان می باشد؛ بنابراین طبق نظر اهل سنت، چون خداوند موجودی است که قابل رویت می باشد -العیاذ بالله- جسم بوده و نیاز به مکان و منزل دارد.

نکته ی سوم: خداوند دارای اشکال و صورت های گوناگون می باشد که در بعضی از صورت ها، برای بندگان قابل تشخیص نیست و در بعضی صورت های دیگر، بندگان او را می شناسند. گاهی خداوند، با آشکار شدن ساق پا، شناسایی می شود و تازمانی که خداوند، ساق پاهایش را نشان ندهد، بنده ای او را نمی شناسد. علمای اهل سنت می گویند: خداوند به شکل جوانی تجلی می کند که هنوز مو، در صورت اش نمایان نشده و زلف های موهایش، به هم پیچیده است^(۱).

نکته ی چهارم: رویت پروردگار در روز قیامت، مخصوص عده ای خاص نیست و تمام بندگان، اعم از مومن، کافر و منافق، به دیدار خداوند نائل می گردند.

۱. بحار الأنوار، جلد ۳، صفحه ۳۰۴؛ از منابع اهل سنت: کنز العمال، جلد ۱۰، صفحه ۲۲۸.

۱۴۴ غیر از روایات مذکور ، روایات فراوانی در منابع اهل سنت ، همچون صحیح ترمذی ، سنن ابن ماجه و سنن حمیدی وجود دارد که برای رعایت اختصار ، از ذکر آنها ، صرف نظر می کنیم .

فتاوی اهل سنت

نظر اکثر علمای اهل سنت درباره‌ی رویت پروردگار ، همان است که از احادیث آنان به دست می آید . روسای مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت ؛ حنفی ، مالکی ، شافعی و حنبلی ، با استناد به این روایات جعلی ، به رویت پروردگار اعتقاد دارند . آنها معتقداند ، خداوند در روز قیامت و حتی در این دنیا نیز قابل رویت است ؛ زیرا بنابر نقل آنان ، رسول خدا ﷺ خداوند را در این دنیا دیده است . برای بررسی بیشتر ، لازم است به فتاوی روسای این مذاهب اشاره‌ای شود .

۱ . شخصی می گوید ؛ به امام مالک گفتیم : یا ابا عبدالله ! (کنیه‌ی او است) آیا

معنای آیه‌ی

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاطِرَةٌ * اِلٰى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾^(۱) .

(آری) در آن روز ، صورت‌هایی شاداب و مسرور است * و به سوی

پروردگارش می نگرند .

این است که مردم با این دو چشم ، خدا را تماشا می کنند ؟ گفت : آری . گفتیم : عده‌ای می گویند : معنای ﴿اِلٰى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾ این است که منتظر ثواب و عقاب پروردگار می گردند . در پاسخ گفت : این افراد دروغ می گویند ؛ بلکه مردم خود خداوند را نگاه و تماشا می کنند^(۲) .

۱ . سوره قیامت ، آیات ۲۲ و ۲۳ .

۲ . تزیین الممالک فی مناقب مالک ، صفحه ۸۸ .

۲. شخصی نقل می‌کند:

« سَمِعْتُ مِنَ الْإِمَامِ الشَّافِعِيِّ فِي تَفْسِيرِ قَوْلِهِ: ﴿كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ﴾^(۱) قَالَ: إِنَّ هَذِهِ الْآيَةَ تَدُلُّ عَلَى أَنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ يَرُونَهُ فِي الْآخِرَةِ »^(۲).

از امام شافعی در تفسیر آیه‌ی «چنین نیست که می‌پندارند، بلکه آنها در آن روز، از پروردگارشان محجوبند» شنیدم که می‌گفت: این آیه دلیل بر این است که اولیای خدا، او را در آخرت خواهند دید.

۳. راوی می‌گوید: روزی نزد امام شافعی بودم، نامه‌ای از سعید به دست وی رسید که در آن نامه، از تفسیر آیه‌ی فوق^(۳) سوال کرده بود. شافعی در پاسخ نامه چنین نوشت: «اینکه خداوند از روی غضب، خود را از مردمی پنهان خواهد نمود، دلیل بر این است که عده‌ای دیگر به علت خشنودی خداوند از آنان، پروردگار را خواهند دید. از شافعی سؤال کردم آیا تو به این مطلب معتقد هستی؟ در پاسخ گفت: به خدا سوگند اگر محمد بن ادریس (شافعی) یقین نداشته باشد که در قیامت خدا را خواهد دید، در این عالم، وی را پرستش نمی‌کند^(۴).

۴. ابن حجر هیتمی^(۵) می‌گوید: تمام خلائق، خداوند را در روز قیامت خواهند دید؛ اما در این دنیا، رویت پروردگار، فقط برای پیامبر ﷺ در شب معراج، صورت گرفته است^(۶).

۱. سوره مطفین، آیه ۱۵.

۲. طبقات شافعیه، جلد ۲، صفحه ۸۱.

۳. مطفین، آیه ۱۵.

۴. طبقات شافعیه، جلد ۲، صفحه ۸۱.

۵. وی اهل مکه بوده و از علما و دانشمندان معروف اهل سنت می‌باشد. از جمله تألیفات وی می‌توان به کتاب‌های «صواعق المحرقة» و «الفتاوی الحدیثه» اشاره نمود.

۶. الفتاوی الحدیثه، صفحه ۱۴۷.

۵. رشید رضا^(۱) در کتاب « تفسیر المنار » در مورد امام احمد بن حنبل ۱۴۴ می‌گوید: احمد به رویت پروردگار معتقد بوده و مخالفین این عقیده را، خارج از محدوده‌ی دین اسلام می‌دانسته است^(۲).

۶. شیخ محمد عبده^(۳) می‌گوید:

« إنَّ في أحاديث الصحيحة من التصريح في إثبات الرؤية بما لا يمكن المرء فيه »^(۴).

در مورد رویت پروردگار، احادیث آن چنان صریح است که بر کسی جای شک و مجادله باقی نمی‌گذارد.

غیر از افراد مذکور، شرح کنندگان کتاب‌های صحیح بخاری و صحیح مسلم، همانند فاضل نووی، بدرالدین عینی، قسطلانی و کرمانی، به رویت خداوند، اشاره نمودند.

آغازگر این عقیده‌ی فاسد

منشأ عقاید فاسد اهل سنت در مورد رویت پروردگار، به خلیفه‌ی دوم بازمی‌گردد؛ زیرا عمر، روایات فراوانی را نقل می‌کند که در آنها سخن از رویت خداوند به میان آمده است. نمونه‌ای از این روایات عبارت‌اند از:

الف - سیوطی در کتاب « در المنثور » از عمر نقل می‌کند:

۱. او یکی از مفسرین قرآن در زمان معاصر است و تفسیر وی، جزو برجسته‌ترین تفاسیر اهل سنت محسوب می‌شود.

۲. المنار، جلد ۹، صفحه ۱۴۵.

۳. وی اهل مصر بوده و از علمای روشنفکر و تحصیل کرده نزد اهل سنت، به حساب می‌آید. او نهج البلاغه را شرح کرده است و ادعا می‌کند حضرت امیرالمؤمنین علی عليه السلام را دوست می‌دارد.

۴. المنار، جلد ۹، صفحه ۱۴۴.

« إِنَّ امْرَأَةً أَتَتْ النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَتْ: ادع الله أن يدخلني الجنة فعظم
 الربُّ تبارك وتعالى وقال ﷺ: إِنَّ الكرسية وسع السماوات
 والأرض وإنَّ له أطيافاً كأطياف رحل الحديد إذا ركب من ثقله،
 ما يفضل منه أربع أصابع»^(۱).

زنی به نزد رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: از خداوند بخواه تا
 من وارد بهشت شوم. پیامبر ﷺ، حق متعال را تعظیم کردند و
 فرمودند: همانا وسعت کرسی خدا، به اندازه‌ی آسمان‌ها و زمین است
 و هنگامی که خداوند روی کرسی خود می‌نشیند، آن کرسی مثل
 نعره‌ی شتری که بار زیادی بردوش اش می‌گذارند، از سنگینی خداوند
 ناله می‌کند، آن قدر خداوند بزرگ است که آن کرسی با آن وسعت،
 چهار انگشت از خداوند زیادتر از آن است.

در مورد کرسی خداوند، روایات دیگری از اهل سنت رامی‌توان یافت. طبری در
 کتاب «جامع البیان» از کعب الأحبار نقل می‌کند:

« قال لرجل سألت أين ربُّنا، قال: وهو على العرش العظيم متكى،
 واطع إحدى رجله على الأخرى»^(۲).

مردی سؤال کرد: خدای ما کجاست؟ کعب گفت: خداوند بر عرش
 عظیم تکیه داده است، در حالی که یکی از پاهایش را بر روی پای دیگر
 می‌گذارد.

ب - مرحوم مجلسی از ابن عباس نقل می‌کند:

۱. الدر المنثور، جلد ۱، صفحه ۳۲۸؛ مجمع الزوائد، جلد ۱، صفحه ۸۳؛ کنز العمال، جلد
 ۱۰، صفحه ۳۷.

۲. جامع البیان، جلد ۲۵، صفحه ۱۲.

«إِنَّهُ حَضَرَ فِي مَجْلِسِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ يَوْمًا وَعِنْدَهُ كَعْبُ الْأَحْبَارِ، إِذْ قَالَ عُمَرُ: يَا كَعْبُ! أَمْ حَافِظُ أَنْتَ لِلتَّوْرَةِ؛ قَالَ كَعْبٌ: إِنِّي لِأَحْفَظُ مِنْهَا كَثِيرًا، فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ جَنْبِهِ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! سَلْهُ أَيْنَ كَانَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ عَرْشَهُ وَمِمَّ خَلَقَ الْمَاءَ الَّذِي جَعَلَ عَلَيْهِ عَرْشَهُ؟ فَقَالَ عُمَرُ: يَا كَعْبُ! هَلْ عِنْدَكَ مِنْ هَذَا عِلْمٌ؟ فَقَالَ كَعْبٌ: نَعَمْ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! نَجِدُ فِي الْأَصْلِ الْحَكِيمِ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَانَ قَدِيمًا قَبْلَ خَلْقِ الْعَرْشِ وَكَانَ عَلَى صَخْرَةٍ بَيْتِ الْمَقْدَسِ فِي الْهَوَاءِ، فَلَمَّا أَرَادَ أَنْ يَخْلُقَ عَرْشَهُ تَقَلَّ تَقْلَةً كَانَتْ مِنْهَا الْبَحَارُ الْغَامِزَةُ وَاللُّجَجُ الدَّائِرَةُ، فَهِنَاكَ خَلَقَ عَرْشَهُ مِنْ بَعْضِ الصَّخْرَةِ الَّتِي كَانَتْ تَحْتَهُ وَأَخْرَجُ مَا بَقِيَ مِنْهَا لِمَسْجِدِ قَدَسِهِ. قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: فَكَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَاضِرًا، فَعَظَّمَ عَلَى رَبِّهِ وَقَامَ عَلَى قَدَمَيْهِ وَنَفَضَ ثِيَابَهُ، فَأَقْسَمَ عَلَيْهِ عَمْرٌ لَمَّا عَادَ إِلَى مَجْلِسِهِ، ففعل. قَالَ عُمَرُ: عُصَّ عَلَيْهَا يَا غَوَاصَّ! مَا يَقُولُ أَبُو حَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ! فَمَا عَلِمْتِكَ إِلَّا مَفْرَجًا لِلْغَمِّ. فَالْتَفَتَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى كَعْبٍ فَقَالَ: غَلَطَ أَصْحَابُكَ وَحَرَّفُوا كُتُبَ اللَّهِ وَفَتَحُوا الْفِرْيَةَ عَلَيْهِ. يَا كَعْبُ وَيْحَكَ! إِنَّ الصَّخْرَةَ الَّتِي زَعَمْتَ لَا تَحْوِي جَلَالَهُ وَلَا تَسَعُ عَظْمَتَهُ وَالْهَوَاءُ الَّذِي ذَكَرْتَ لَا يَجُوزُ أَقْطَارَهُ، وَلَوْ كَانَتِ الصَّخْرَةُ وَالْهَوَاءُ قَدِيمَيْنِ مَعَهُ، لَكَانَتَا لَهْمَا قَدَمَتَهُ، وَعَزَّ اللَّهُ وَجَلَّ أَنْ يَقَالَ لَهُ مَكَانٌ يَوْمِي إِلَيْهِ، وَاللَّهُ لَيْسَ كَمَا يَقُولُ الْمُلْحِدُونَ وَلَا كَمَا يَظُنُّ الْجَاهِلُونَ وَلَكِنْ كَانَ وَلَا مَكَانَ، بِحَيْثُ لَا تَبْلُغُهُ الْأَذْهَانُ، وَقَوْلِي كَانَ لِتَعْرِيفِ كَوْنِهِ وَهُوَ مِمَّا عَلَّمَ مِنَ الْبَيَانِ، يَقُولُ اللَّهُ ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ ^(١) فَقَوْلِي لَهُ، كَانَ مِمَّا عَلَّمَنِي الْبَيَانَ، لِأَنْطِقَ بِحُجَّةٍ عَظْمَةٍ

الْمَنَّاَنَ وَلَمْ يَزَلْ رَبُّنَا مُقْتَدِرًا عَلٰى مَا يَشَاءُ ، مُحِيطًا بِكُلِّ الشَّيْءِ ، ثُمَّ كَوَّنَ مَا أَرَادَ بِلَا فِكْرَةٍ حَادِثَةٍ أَصَابَ ، وَلَا شِبْهَةَ دَخَلَتْ عَلَيْهِ فِيمَا أَرَادَ ، وَإِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ نُورًا أَبْتَدَعَهُ مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ ، ثُمَّ خَلَقَ مِنْهُ ظِلْمَةً وَكَانَ قَدِيرًا أَنْ يَخْلُقَ الظِّلْمَةَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَمَا خَلَقَ النُّورَ مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ ... ثُمَّ خَلَقَ عَرْشَهُ مِنْ نُورِهِ وَجَعَلَهُ عَلَى الْمَاءِ ... ، يَا كَعْبُ وَيْحَكَ ! إِنَّ مَنْ كَانَتْ الْبِحَارُ تَفْلَتُهُ عَلَى قَوْلِكَ ، كَانَ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ تَحْوِيَهُ صَخْرَةٌ بَيْتِ الْمَقْدَسِ أَوْ تَحْوِيَهُ الْهَوَاءُ الَّذِي أَشْرَتْ إِلَيْهِ أَنْتَ حَلَّ فِيهِ ، فَضَحِكَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ وَقَالَ : « هَذَا هُوَ الْأَمْرُ وَهَكَذَا يَكُونُ الْعِلْمُ ، لَا كَعَلِمِكَ يَا كَعْبُ ! لَا عَشْتُ إِلَى زَمَانٍ لَا أَرَى فِيهِ أَبَاحَسَنِ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] »^(۱).

روزی ابن عباس در مجلس عمر بن الخطاب حاضر شد و کعب الاحبار^(۲) نزد عمر حضور داشت. عمر رو به کعب کرد و گفت: تو تورات را در حفظ داری؟ کعب گفت: همانا من، مطالب زیادی را از تورات حفظ کردم. مردی در گوشه‌ی مجلس به عمر گفت: ای امیرالمؤمنین! از کعب سوال کن، خداوند قبل از اینکه عرش را خلق کند، کجا بود و قبل از اینکه آب را خلق کند، عرش خداوند کجا قرار داشت؟ عمر گفت: ای کعب! آیا پاسخ این سوال را می‌دانی؟ کعب گفت: بله ای امیرالمؤمنین. در کتاب تورات یافتیم خداوند تبارک و تعالی قبل از خلقت عرش موجود بود اما بر روی تخته سنگی در بیت المقدس در وسط آسمان و زمین معلق بود. زمانی که خداوند اراده کرد که سر پناهی برای خود خلق کند - العیاذ بالله - آب دهانی انداخت که از

۱. بحار الأنوار، جلد ۳۰، صفحه ۱۰۱.

۲. او پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را درک نمود و در زمان خلافت ابوبکر مسلمان شد (تهذیب الکمال، جلد ۲۴، صفحه ۱۸۹).

۱۴۴ آن آب دهان دریا‌های عمیق و موج‌های بلند پدید آمد. بعد از پیدایش دریاها، قسمتی از آن صخره را که بر روی آن می‌نشست، گرفت و عرش را خلق کرد و از مابقی صخره، مسجد قدس را ساخت. ابن عباس می‌گوید: حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مجلس حضور داشت و وقتی این حرفها را شنید پروردگارش را تعظیم نمود و از جا برخاست و لباس خود را جمع کرد تا از مجلس خارج شود. عمر، حضرت علیه السلام را قسم داد تا به مجلس برگردد و ایشان علیه السلام نیز به مجلس بازگشت. عمر، خطاب به حضرت علیه السلام گفت: ای شناگر، تو وارد شناگری شو، زیرا تو را به غیر از گشایش گراندوه‌ها نمی‌شناسم. حضرت علیه السلام رو به کعب کردند و فرمودند: تمام اصحاب و دوستان تو اشتباه کردند و کتاب خدا (تورات) را تحریف کردند و باب اتهام و دروغ‌گویی را در کتب الهی بازکردند. ای کعب! وای بر تو! آن صخره‌ای که گمان کردی خداوند بر روی آن نشسته بود، قدرت نخواهد داشت که جلال پروردگار را نگه بدارد و عظمت خداوند را در خود جای دهد و آن هوایی که خداوند در آن قرار داشت، نمی‌تواند همه‌ی وسعت خداوند را در برگیرد. اگر خداوند بر روی صخره و در هوا معلق قرار داشت، باید صخره و هوا به همراه پروردگار، قدیم باشند؛ در حالی که فقط خداوند قدیم است. خداوند عزیزتر و بالاتر از این است که دارای مکانی باشد که بتوان آن مکان را اشاره کرد. و خداوند از آنچه که ملحدان می‌گویند و جاهلان می‌پندارند، منزه است؛ زیرا خداوند موجود بود، در حالی که مکان وجود نداشت؛ به صورتی که افکار بندگان به حقیقت ذات الهی دسترسی پیدا نمی‌کند. این که می‌گویم خداوند موجود بود، به خاطر این است که الفاظ

نمی‌توانند قدمت و ذات خداوند را بیان کنند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «انسان را آفرید و به او بیان را آموخت» این مقدار از گفتار را خداوند به من تعلیم داده است تا اینکه عظمت خداوند متان را به زبان بیاورم. پروردگار ما پیوسته، بر همه چیز قادر است و به همه‌ی اشیاء احاطه‌ی کامل دارد. خداوند همه‌ی مخلوقات را بدون تفکر قبلی آفرید و هیچ شبهه‌ای در آنچه اراده فرمود، بر او وارد نگشت. خداوند عزوجل، نوری را خلق کرد که مسبوق به چیزی نبود و از آن نور، ظلمت را آفرید و همانطور که خداوند، نور را از هیچ چیز آفرید، قادر است ظلمت را نیز از هیچ چیز بیافریند... سپس عرش خود را از نورش آفرید (نه اینکه عرش را از بخشی از صخره آفریده باشد) و عرش خود را بر روی آب قرار داد... ای کعب! وای بر تو! طبق گفته‌ی تو، همانا کسی که دریاها از آب دهان او آفریده شده، بزرگ‌تر و والاتر از این است که برای ساختن عرش خود، به صخره‌ی بیت المقدس نیازمند باشد یا این که در هوای معلق زندگی کند، کما اینکه به آن اشاره کردی. در این هنگام عمر بن خطاب خندید و گفت: حرف صحیح، سخن ایشان (حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام) است و علم و آگاهی حقیقی این است؛ نه مانند علم تو ای کعب! در روزگاری نباشم که ابالحسن علیه السلام در آن زمان حضور نداشته باشد.

ان شاء الله در جلسات آینده، این مباحث را پی‌گیری می‌کنیم، تا روشن سازیم خدایی که علمای اهل سنت معرفی می‌کنند چه ویژگی‌هایی دارد.

خودآزمایی

- ① اولین قدم برای ایمان به پروردگار، کدام است؟
- ① علمای اهل سنت خداوند را چگونه توصیف می‌کنند؟
- ① بارزش‌ترین منابع، نزد اهل سنت، چه کتاب‌هایی است؟
- ① برادر و خواهر قرآن، بر اساس نظریات اهل سنت، به چه کتاب‌هایی گفته می‌شود؟
- ① طبق عقیده‌ی اهل سنت، چرا خداوند به مکان نیاز دارد؟
- ① اهل سنت در مورد تجلی پروردگار، در روز قیامت چه می‌گویند؟
- ① طبق نظر علمای اهل سنت چه کسانی می‌توانند خداوند را در روز قیامت ببینند؟
- ① چرا روسای مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت، معتقداند خداوند در این دنیا نیز قابل رؤیت است؟
- ① احمد بن حنبل در مورد رویت پروردگار چه نظریه‌ای دارد؟
- ① سرچشمه‌ی عقاید اهل سنت در مورد رویت پروردگار، به چه کسی باز می‌گردد؟
- ① کعب الأخبار، چه مکانی را برای خداوند در نظر گرفته است؟
- ① پاسخ امیرالمؤمنین علیه السلام به سخنان کعب الأخبار چه بود؟

نکته ی اول: خداوند در روز قیامت -نعوذ بالله بیاچشم
ظاهری دیده می شود. نکته ی دوم: هر موجودی که قابل
رویت باشد، جسم است و یکی از ویژگی های جسم این
است که نیازمند به مکان می باشد؛ بنابراین طبق نظر اهل
سنت، چون خداوند موجودی است که قابل رویت می باشد
-العیاذ بالله- جسم بوده و نیاز به مکان و منزل دارد. نکته ی
سوم: خداوند دارای اشکال و صورت های گوناگون
می باشد که در بعضی از صورت ها، برای بندگان قابل
تشخیص نیست و در بعضی صورت های دیگر، بندگان او را
می شناسند. گاهی خداوند، با آشکار شدن ساق پا،
شناسایی می شود و تا زمانی که خداوند، ساق پاهایش را
نشان ندهد، بنده ای او را نمی شناسد. علمای اهل سنت
می گویند: خداوند به شکل جوانی تجلی می کند که هنوز مو،
در صورت اش نمایان نشده و زلف های موهایش، به هم
پیچیده است. (صفحه ۱۰ از همین جزوه)

■ محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت:

ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.

■ شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.

■ در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن
همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی رحمته

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳-۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir